

سراینده «قصیده تکاثر» دار فانی را وداع گفت



سید حامد حسینی معروف به راوش، شاعر آیینی و مذهبی مشهور دیروز بر اثر عارضه کبدی، در بیمارستان امام رضا(ع)، چشم از جهان فروبست. سراینده «قصیده تکاثر»، که دارای چندین دفتر شعر بود متولد سال ۱۳۵۹ در مشهد بود و اگرچه اصالت خراسانی داشت، سال ها زندگی در پایتخت و حضور در فضای شعر و ادب کرج و دیدارهایی که با احمد شاملو در محافل شعرى اتفاق افتاده بود، او را به شعر و شاعری پیوند زد. در سال ۱۳۸۱، توفیق همجواری حضرت ثامن الحجج (ع) را پیدا و با حضور در مشهد، سرایش شعر آیینی را نیز شروع کرد. او براین باور بود سرودن شعر آیینی باید به شاعر هبه شود. و همچنین در تعریف شعر آیینی در گفت‌وگویی مطرح کرده بود: وقتی شاعر به یک موضوع زیبا می‌پردازد و کلمات و واژگان را به چپ‌نشی از زیبایی توأم با خلق مضمون و معنی وادار می‌کند شعر خلق می‌شود. حالا چه چیزی زیباتر از پرداختن به زیباترین انسان‌های روی زمین. چه از نظر سیره و مرام و مسلک، چه از نظر رفتار و روش و اخلاق و گفتار که همان خاندان آل... و خاندان عصمت و نبوت (ع) هستند که در آنجا شعر آیینی خلق می‌شود. راوش، شعر آیینی را با سرودن درباره حضرت باب الحوائج، حضرت عباس(ع)، شروع کرد. به باور او حضرت عباس(ع)، الهام‌بخش بسیاری از شاعرانی بوده که می‌خواسته‌اند برای نخستین بار شعر آیینی را تجربه کنند. او شعر دوم خود را درباره امیرالمؤمنین می‌سراید و پس از آن چند شعر آیینی دیگر برای ائمه معصومین(ع) می‌نویسد. اما او اتفاق بزرگ زندگی اش را سرودن برای حضرت زهرا(س) دانسته بود و درباره قصیده تکاثر خود درباره بانو صدیقه کبری گفته بود: مادری که با تمام وجود احساسش می‌کردم و دلم می‌خواست برایش کاری کنم. نه آن قوه و بنیه و توان را داشتیم که برای ایشان سینه‌زنی کنم. نه آن توان را داشتیم که خادمی مجالس روضه ایشان را به عهده بگیریم و جای بخش کنم. چیزی که از دستم بر می‌آمد شعر گفتن بود. دیدم من این توان و استعداد را دارم. چرا این استعداد را در مورد ایشان زنده نکنیم؟ الحمدا... غزل صله غزل بعدی شد و توانستم قصاید مختلف برای حضرت زهرا(س)، به مدد خود بانو، بگویم. در آن ایام حال و هوای فوق‌العاده زیبایی را تجربه کردم.

مراسم تشییع این شاعر آیینی امروز انجام می‌شود و در قطعه هنرمندان بهشت رزاع(ع) آرام خواهد گرفت.

در ادامه بیانی از قصیده «ماخوذ به شرم» را مرور می‌کنیم

آنها که به قرآن قسمش داده‌ام از سوز ای کاش که از کوچه‌امان بگذرد امروز

در چله نشستم به پذیرایی مهمان

اسپند به معمر زده با چایی لب جوز

باید که بیایید و ببینید که هستم

دیوانه‌ی دیدار شما هر شب و هر روز

در ماخذ دیدار تو ماخوذ به شرمند

چشمان ماخذ شده بر خال تو ماخوذ

اعیاد مرا پاک کن از صفحه‌ی تقویم

با آمدنت وصف شود واژه‌ی نوروز

در لذت دیدار تو آواره ترینم

آنقدر که نامم شده آواره‌ی محظوظ

در جان من اندوخته‌ای عشق خودت را

جانم به فدای تو از این بیشتر اندوز

خورشید به تقلید تو تابیده جهان تاب

ای مر جع تقلید جهان چهره برافروز

روح القدس از تربیت روح پذیرفت

علم لدنی را به تو نوشاند چو آغوز

پوشیده ترین راز که در پرده‌ی غیب است

نامی است برانگشت‌ریح حک شده مرموز

تا خطبه‌ای اتان خوانده شد از کعبه به پا خاست

فی کل زمین برق حق فاتح و پیروز

از غیبت کبری تو تا غیبت صغری

دنبال تو هستم از امروز به دیروز

بلژیک و کره جنوبی میزبان «جنایت بی‌دقت» شدند



فیلم «جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مکری در بلژیک و کره جنوبی رقابت می‌کند. به گزارش خبرگزاری صبا، جشنواره فیلم «موو» یکی از جشنواره‌های قدیمی اروپاست که از سال ۱۹۸۴ تا به امروز هر ساله در شهر بروژ بلژیک برپا می‌شود. «جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مکرری و تهیه‌کنندگی نگار اسکندرفر، در تازه‌ترین دوره این فستیوال که از ۳۱ فروردین امسال به مدت ۲ هفته برگزار خواهد شد، شرکت دارد. همچنین بیست‌ودومین دوره جشنواره «جیون جو» در کره جنوبی از ۹ اردیبهشت در این شهر برپا می‌شود و به مدت یک هفته ادامه خواهد داشت. در این جشنواره فیلم «جنایت بی‌دقت» در بخش سینمای جهان در کنار یازده فیلم از کشورهای فرانسه، برزیل، ایتالیا، ژاپن و آمریکا به نمایش درمی‌آید. «جنایت بی‌دقت» اولین حضور بین‌المللی‌اش را با جشنواره ونیز و در هفتادوهمین دوره آن آغاز کرد و پس از آن در جشنواره‌های متعددی در گوشه و کنار دنیا به نمایش درآمد. این حضورهای بین‌المللی در سال جدید هم ادامه خواهد داشت. تاکنون قرارداد پخش فیلم در کشورهای آمریکا، فرانسه، ایتالیا، سوئیس و آلمان برای اکران در سینماها و پخش وی او دی امضا شده است.

گپ‌وگفت با ایرج امیرنظامی، آهنگ‌ساز و ترانه‌سرای پیش‌کسوت ساکن مشهد

هر چه دارم از آقا امام رضا(ع) است

گروه فرهنگ و هنر

ایرج امیرنظامی، آهنگ‌ساز و ترانه‌سرا و از پیشکسوتان موسیقی خراسان دیروز ۷۵ساله شد.

خالق ترانه ماندگار «مریم چرا؟»، اثری که بارها و بارها از سوی خوانندگان حرفه‌ای و مبتدی بازخوانی شده، هنرمندی کمتر شناخته شده بین مردم است. امیرنظامی، متولد ۲۰فروردین ۱۳۲۵ در شهرستان بروجرد است. علاقه به موسیقی از کودکی با او همراه می‌شود و از سال ۱۳۴۰، در زمینه ساز ویلون آموزش می‌بیند. پس از دریافت دیپلم در رشته ادبی به عنوان معلم، رهسپار خراسان و در یکی از روستاها معلم می‌شود. تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته جغرافیا در دانشگاه فردوسی مشهد به پایان می‌رساند و به عنوان اولین کارشناس موسیقی در دانشگاه استخدام می‌شود. او در مشهد از استادانی همچون دکتر لطف‌ا... مفخم، استاد ظهیرالدینی و علی اصغر کوثری، موسیقی ملی و ردیف‌ها را می‌آموزد. فعالیت‌های هنری او موجب می‌شود تا در اولین ارکستر رادیو تلویزیون خراسان در سال ۱۳۵۳ حضور داشته باشد و به عنوان اولین سرپرست گروه موسیقی ملی فارابی فعالیت‌هایش را ادامه دهد. با پیروزی انقلاب اسلامی نیز به عنوان مربی موسیقی در جهاد دانشگاهی مشهد خدمات ارزنده‌ای ارائه می‌کند. امیرنظامی و گروهش (فارابی) در چند دهه گذشته فعالیت‌های بسیاری در زمینه سرود و موسیقی ساخته و به اجرا آورده‌اند. در ادامه گپ‌وگفت ما را با این استاد موسیقی ملی درباره راه طولانی‌ای که در خدمت به موسیقی خراسان پشت سر گذاشته، می‌خوانید.

● آن روزهای خاکستری

کودکی کم‌شناوا اما علاقه‌مند به موسیقی؛ این شروع داستان پیشکسوت موسیقی مشهد است. داستانی که آن را در کتاب «آن روزهای خاکستری» که روایتگر دوران کودکی تا سربازی اوست، به نگارش درآورده است. داستانی که به

گفته خودش با وجود دردهای ناشی از کم‌شنوایی و دیدن رنج و محنت مردم در روستاهای خراسان در دوران معلمی‌اش، برای او روزهایی خاکستری بوده است. امیرنظامی می‌گوید: از ۱۰ روزگی که مرا به حمام بردند، گوش‌هایم مشکل پیدا کرد و دچار کم‌شنوایی شدم. این مشکل سال‌ها همراهم بود و مرا به کودکی منزوی و تنها تبدیل کرد که نمی‌توانستم با کسی ارتباط بگیرم. تنها دل‌خوشی من محرم‌ها و مراسم عزاداری بود. روضه‌خوان به‌خانه‌مان می‌آمد و من با نوحه‌هایش مأنوس بودم و همان‌ها را یاد گرفتم و خودم هم نوحه‌خوانی می‌کردم. مرحوم پدرم هم اهل ذوق و هنر بود و در جمع دوستانش هنرمندان آموذش می‌کردند و همین‌ها، بهانه‌ای برای آشنایی من با ساز و موسیقی شد. گرچه پدرم با فعالیت من در زمینه موسیقی موافق نبود و زمانی که با اجبار زیاد من، برایم ویولون

خرید، با کیسه‌گونی آن را به خانه آورديم و گفت: الهی شکر که در فامیل مطرب نداشتم و پسر غلام‌رضا خان مطرب از کار درآمد. درهرصورت تا زمانی که آن مرحوم زنده بود، من هم ملاحظاتش را رعایت می‌کردم. اما امیرنظامی با فراهم شدن شرایط آموزش به تهران می‌رود و نزد، مرحوم محمد فخر طباطبائی، ویولون می‌آموزد و از محضر استاد احمد اسکونی هم بهره‌می‌برد.

● افتخار می‌کنم معلم موسیقی هستم

او می‌گوید: نه آهنگ‌ساز آنجنانی هستم و نه هنرمندی قدر. اما افتخار می‌کنم معلم موسیقی هستم و حالا شاگرد شاگردانم هم تدریس می‌کنند. همه این‌ها برای من جای خوشبختی است. اینجا مجاورم و هرچه دارم از آقا امام رضا(ع) است. من به عنوان سرباز به خراسان آمدم و همین‌جا ماندگار شدم. به گفته او در بین آثار هنرمندان، گاهی اثری

جلوه بیشتری پیدا می‌کند و با مقبولیت مردم روبه‌رو می‌شود. این مقبولیت درباره او به ترانه «مریم چرا؟» که ترانه‌سرا و آهنگ‌سازش بوده، برمی‌گردد: آثاری به دل مردم می‌نشیند و پایاتر است که زبان احساساتشان باشد. بعد هم اضافه می‌کند: موسیقی ایرانی، به طور بسیار عجیبی با ادبیات ایران آمیخته و از آن جدان نیست. ولی مسئله این است که موسیقی بسیار گویاتر از شعر است. وقتی من برای شما کلامی را می‌خوانم، آن پژواک معانی کلام من در ذهن شما شکل می‌گیرد. ولی وقتی یک موسیقی برای شما اجرا می‌کنم، شما آنچه را در مخیله تان هست، متصور می‌شوید. آهنگ‌سازی در قدیم بدین طریق بود که چون هنوز زبان نت در موسیقی ایران وجود نداشت، عده‌ای اشعار را بر مبنای وزن آهنگ می‌گفتند. درواقع شاعر روی آهنگ، شعرش را می‌گفت که ما به اصطلاح باید به

آن ضربی خوانی بگوئیم و نمی‌شود به آن آهنگ‌سازی گفت. در ساختن تصنیف هم آهنگ‌ساز، ملودی‌هایی را که در ذهنش می‌پروراند می‌نویسد و ملودی را تنظیم می‌کند و آواها را ثبت می‌کند و شاعر بر مبنای وزن جمله‌هایی که آهنگ‌ساز ساخته، شعر می‌سراید. بیشتر آهنگ‌هایی که من ساختم، به همین صورت بوده است. مثلا روی آهنگ‌های استاد کوثری شعر گفتم یا برای اشعار دکتر هوشمند و مرحوم فریدون صالحی، آهنگ ساختم.

● تلاش برای اجرای موسیقی فاخر در رادیو خراسان

امیرنظامی در سال ۱۳۴۷، به عنوان نوازنده و آهنگ‌ساز در رادیو مشهد کارش را شروع می‌کند. او می‌گوید: همه تلاشم اجرای موسیقی فاخر بود به همراه دکتر لاهوتی برنامه‌های «نغمه‌های دل» را که شبیه به برنامه‌های گل‌های رادیو ایران بود، در رادیو

تعطیل و دیگر مسابقات تا اطلاع ثانوی لغو می‌شود. همچنین فعالیت‌های گروهی، کارگاه‌های آموزشی و دیگر کلاس‌های فرهنگ‌سراها نیز به تبعیت از این وضعیت هشداراً آمیز تعطیل و دیگر برنامه‌ها در صورت امکان به شکل مجازی برای مخاطبان ارائه خواهد شد.

سرپرست سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری

مراکز فرهنگی، هنری، ورزشی و اجتماعی بیان کرد: به دلیل گسترش موج چهارم ویروس کرونا و جلوگیری از گسترش هرچه بیشتر آن، به اعمال محدودیت‌های ویژه در این نوع از فعالیت‌ها به دستور دانشگاه علوم پزشکی و ستاد کرونا اقدام نموده‌ایم.

به گفته او همه‌ا ماکین ورزشی سرپوشیده شهرداری

سرپرست سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد از توقف فعالیت سالن‌های ورزشی، فرهنگ‌سراها و دیگر برنامه‌های گروهی و اجتماعی در سطح شهر به دلیل وضعیت قرمز کرونا در مشهد خبر داد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، سید مجتبی منتظری با اشاره به اعمال محدودیت‌های الزامی در فعالیت دیگر

درباره نمایشگاه سیاه‌قلم و کنته خاکستری در نگارخانه حامی

خاکستری در سبزی

نمایشگاه نیز هنرمندان با توجه به مهارت خود در هر کدام از سبک‌های سیاه‌قلم، طرح‌هایی را به اجرا درآورده‌اند.» این نمایشگاه از ۱۷ تا ۱۹ فروردین میزبان نگاه هنر دوستان و هنرمندان بود.

